

نظام تحول روانی از تولد تا مرگ بر پایه منابع اسلامی

محمدصادق شجاعی^۱

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نظام تحول روانی در منابع اسلامی انجام شده است. در راستای هدف تحقیق، مفاهیم و گزاره‌هایی که با موضوع پژوهش ارتباط داشتند با «راهبرد متن‌خوانی باز» از منابع اسلامی گردآوری و با استفاده از روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی بررسی شد. نتایج پژوهش الگویی جامع متشکل از پنج دوره کودکی، نوجوانی، جوانی، بزرگسالی و پیری را به دست داد. در این الگو مراحل مربوط به هر دوره و سازوکارهای روان‌شناختی آن‌ها نیز مشخص شده است. بنابر آموزه‌های اسلامی محور تحول روانی، به فعلیت رسیدن توانایی‌های بالقوه فرد در بُعد شناختی، عاطفی، اجتماعی و معنوی است که تحت تأثیر رشد داخلی، تعامل اجتماعی و تجربه فعال (انتخاب و عملکرد آگاهانه) فرد در گذر زمان تحقق می‌یابد. علاوه بر تبیین سازوکارهای روان‌شناختی، توجه به برخی از مسائل اخلاقی - تربیتی در این الگو نیز اهمیت دارد. جاذبه شهودی الگوی یادشده از این حقیقت ناشی می‌شود که مبتنی بر وحی است و بر یگانگی تجربه ذهنی هر فرد تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: تحول روانی، رشد، نظام، منابع اسلامی.

۱. استادیار روان‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (s_shojaei@yahoo.com).

The system of psychological transformation from birth to death based on Islamic sources

Mohammad Sadegh Shojai¹

Abstract

The aim of this study was to investigate the system of psychological transformation in Islamic sources. In line with the purpose of the research, the concepts and propositions related to the subject of the research were collected from Islamic sources with an “open text reading strategy” and examined using a qualitative analysis of the content of religious texts. The results of the study provided a comprehensive model consisting of five periods of childhood, adolescence, youth, adulthood and old age. In this model, the stages related to each period and their psychological mechanisms are also specified. According to Islamic teachings centered on psychological transformation, the realization of a person's potential abilities in the cognitive and emotional dimension is realized under the influence of internal growth, social interaction and active experience (conscious choice and action). In addition to explaining psychological mechanisms, it is important to pay attention to some ethical-educational issues in this model. The intuitive appeal of this model stems from the fact that it is based on revelation and emphasizes the unity of each person's mental experience.

Keywords: Psychological Transformation, Growth, System, Islamic Resources

1. Assistant Professor, Department of Psychology, Al-Mustafa International University, Qom, Iran (s_shojaei@yahoo.com).

مقدمه

روان‌شناسی تحولی^۱ امروزه یکی از شاخه‌های مهم روان‌شناسی است که در آن چگونگی تحول انسان در گستره زندگی مورد مطالعه قرار می‌گیرد (شافر و کیپ^۲، ۲۰۱۰). چون در روان‌شناسی تحولی به بررسی فرایندهای روانی پرداخته می‌شود، مهم است بدانیم که در بررسی این فرایند آیا می‌توان به تعیین دوره‌ها^۳ و مراحل^۴ پرداخت یا نه، و اگر قائل به دوره‌ها و مراحل در زمینه‌های مختلف باشیم، این دوره‌ها و مراحل کدام‌اند (متیوسیک^۵ و همکاران، ۲۰۱۹). روان‌شناسان الگوهای نظری مختلفی را در این زمینه پیشنهاد کرده‌اند. هانری والن^۶ (۱۹۸۴) یکی از کسانی است که تحقیق نسبتاً جامعی را در مورد تحول روانی انجام داده است. وی تحول روانی را به صورت ناپیوسته می‌داند. از نظر وی هر مرحله با پایان یافتن مرحله قبلی شروع نمی‌شود، بلکه ریشه آن در مرحله قبلی و استتال آن در مرحله بعدی مشهود است. طبق نظریه والن تحول روانی در چهار دوره (تولد تا ۳ سالگی، شخصیت‌گرایی، فکر مقوله‌ای، دوره نوجوانی) صورت می‌گیرد. گزل^۷ (۱۹۳۴) دیاگرام تحول روانی انسان را در قالب هفت دوره (تولد تا ۱ ماهگی، ۱ تا ۷ ماهگی، ۷ تا ۱۸ ماهگی، ۱۸ ماهگی تا ۳ سالگی، ۳ تا ۵ سالگی، ۵ تا ۱۰ سالگی و ۱۰ تا ۱۶ سالگی) و ۲۴ مرحله بیان کرده است. یکی از مشکلات اصلی نظام والن و گزل این است که مراحل تحول روانی را تا دوره نوجوانی بررسی کرده‌اند. از این رو، برخی پژوهشگران سعی کرده‌اند دوره‌های بعدی را نیز در چارچوب نظریه والن و گزل مشخص کنند. طبق بررسی‌ای که از سوی شاگردان گزل انجام شده است تحول روانی از ۱۶ سالگی به بعد تا ۲۰ سالگی با همان قوت قبلی ادامه می‌یابد، ولی از آن پس دوره طولانی بزرگ‌سالی تا ۶۵ و ۷۰ سالگی به طور ثابت به استقرار خود ادامه می‌دهد و سرانجام از این زمان به بعد راه افول یا تنزل را درپیش می‌گیرد (منصور، ۱۳۸۷). در نتیجه، دو دوره دیگر به دوره‌های اصلی گزل افزوده شده است (بی و میچیل^۸، ۱۹۸۰؛ بوید^۹ و بی، ۲۰۱۰).

1. developmental psychology
2. Shaffer & Kipp
3. periods
4. stages
5. Matusik
6. Wallon
7. Gesell
8. Bee & Mitchell
9. Boyd

سومین الگوی جامع مربوط به پیازه^۱ است که در آن سه دوره کلی (حسی - حرکتی، عملیات عینی، عملیات صوری) در نظر گرفته شده است و ذیل هر یک از دوره‌ها مراحل نیز وجود دارد (پیاژه و اینهلدر^۲، ۲۰۰۸). او خلاف والن و گزل که به اصل ناپیوستگی معتقد بودند، تحول روانی را از نظر کنشی پیوسته می‌داند. دو سازوکار اساسی در نظریه پیازه درون‌سازی و برون‌سازی است. پیازه عقیده دارد که تحول روانی از تولد تا بزرگسالی و تحت تأثیر چهار عامل رشد داخلی، تجربه فعال، تعامل اجتماعی، و تعادل جویبی تحقق می‌یابد (بیلین و پوفال^۳، ۲۰۱۳). با وجود مقبولیت نسبتاً گسترده دیدگاه پیازه، در سال‌های اخیر انتقادهایی نیز به آن شده است (لورینکو^۴، ۲۰۱۶). برخی بر جنبه‌های روش‌شناسی پیازه و برخی به اساس نظریه او اعتراض دارند (سولسو^۵ و همکاران، ۲۰۰۵).

یکی دیگر از نظام‌های مهم و اصلی، نظام فرویدی است که در چارچوب روان‌تحلیلگری به بررسی رشد و تحول روانی پرداخته است. فروید در نظریه روانی - جنسی خود از پنج مرحله دهانی، مقعدی، آلتی، نهفتگی و تناسلی سخن گفته است (فروید ۱۹۰۵ به نقل از جونز^۶، ۲۰۱۹). یونگ^۷ (۱۹۷۱) فرایند تحول روانی را به چهار دوره کلی کودکی، جوانی، میان‌سالی و پیری دسته‌بندی و توصیف کرده است. از نظر اریکسون^۸ (۱۹۵۳) تحول روانی در هشت مرحله صورت می‌گیرد که عبارت‌اند از: اعتماد اساسی در برابر بی‌اعتمادی، خودمختاری در برابر شرم و تردید، ابتکار در برابر احساس گناه، سخت‌کوشی در برابر حقارت، کسب هویت در برابر سردرگمی، صمیمیت در برابر انزوا، زاینده‌گی در برابر رکود، و انسجام در برابر ناامیدی. طبق این نظریه در هر مرحله موضوع یا مسئله‌ای وجود دارد که فرد باید آن را حل کند (لیستر^۹، ۲۰۱۹).

با وجود اینکه نظریه‌های یادشده سهم بزرگی در درک تحول روانی انسان ایفا کرده‌اند، هر کدام با نقص‌ها و کاستی‌هایی همراه است. در مجموع تأکید بر عوامل زیستی و فیزیولوژیک و نادیده گرفتن اختیار و اراده انسان یکی از مشکلات اصلی این

1. Piaget
2. Piaget & Inhelder
3. Beilin & Pufall
4. Lourenço
5. Solso
6. Jones
7. Jung
8. Erikson
9. Lester

نظریه‌هاست. از سوی دیگر، نظریه رشد روانی - جنسی فروید چشم‌انداز بسیار محدودی دارد و بر کشاننده‌های جنسی در فرایند تحول روانی بیش از اندازه تأکید کرده است. همچنین، فروید نگرش بسیار بدبینانه نسبت به انسان داشت. نظریه یونگ و اریکسون در قیاس با نظریه فروید گرچه دید بازتری دارند، ولی در عین حال به نظریه یونگ به دلیل تأکید بیش از اندازه بر عوامل زیست‌شناختی (ناهشیار فردی و ناهشیار جمعی) در فرایند تحول روانی انتقاد شده است (رایکمن^۱، ۲۰۱۲). اریکسون مانند فروید و یونگ، جبرگرا نبود، اما به اراده آزاد هم اعتقاد عمیقی نداشت (فیست و فیست^۲، ۲۰۰۹). از سوی دیگر، گستردگی نظریه اریکسون ستودنی است، ولی مبنای تبیینی آن برای تحول روانی ضعیف ارزیابی شده است (رایکمن، ۲۰۱۲).

یک الگوی تحولی دیگر از سوی بوهرلر^۳ (۱۹۹۹) ارائه شده است. وی با تأثیرپذیری از رویکرد انسان‌گرایی بالاترین مرحله تحول روانی را کسب رضایت خاطر در زندگی می‌داند. نظام تحول روانی بوهرلر از پنج دوره تشکیل یافته است که عبارت‌اند از: ۱) رشد پیش‌رونده زیستی^۴ (تولد تا ۱۵ سالگی): کودک در خانواده زندگی می‌کند و علائق و گرایش‌های او حول موضوعات محدود، خانواده و مدرسه می‌چرخد (۲) ادامه رشد زیستی^۵ و رشد جنسی (۱۶ تا ۲۷ سالگی): این مرحله از تحول روانی با گسترده شدن فعالیت‌ها، خودمختاری، ترک خانواده، ورود به فعالیت‌های مستقل و روابط بین‌فردی مشخص می‌شود. ۳) ثبات زیستی و مرحله اوج (۲۸ تا ۴۷ سالگی): پرثمرترین دوره کار حرفه‌ای خلاق و بیشترین روابط بین‌فردی و اجتماعی مربوط به این دوره است. ۴) از دست دادن کارکردهای تولید مثل (۴۸ تا ۶۲ سالگی): این دوره با ازدست دادن کارکردهای تولید مثل، کاهش توانایی‌ها، کاهش فعالیت‌ها، فقدان‌های فردی، خانوادگی و اقتصادی همراه است. گذار از این دوره با بحران‌های روان‌شناختی مشخص می‌شود و به گونه‌ای دوره درون‌نگری هم محسوب می‌شود. ۵) افت قوای زیستی و افزایش بیماری‌ها (۶۲ سالگی تا مرگ): این دوره با کناره‌گیری از شغل، کاهش روابط و مناسبات اجتماعی همراه با افزایش سرگرمی‌های شخصی و فعالیت‌های انفرادی، دوره بازنگری زندگی، و در نتیجه احساس رضایت یا شکست مشخص می‌شود. از نظر بوهرلر در آخرین دوره تحول روانی، افراد کل موجودیت

1. Ryckman
2. Feist & Feist
3. Buhler
4. external events
5. inner experience

خود را بر مبنای تحقق یا عدم تحقق کسب رضایت خاطر به منزله بالاترین هدف زندگی، ارزیابی می‌کنند (رایس^۱، ۲۰۰۱؛ دامون^۲ و همکاران، ۲۰۰۶).

نظریه انسان‌گرایانه بوهلر یکی از الگوهای نسبتاً جامع و تعیین‌کننده است (بینیتکا^۳، ۲۰۱۶). تأکید او بر جنبه‌های مثبت و سازوکارهای تحقق خویشتن به‌خصوص برای روان‌درمانگران ارزشمند بوده است، ولی در عین حال، از این الگو به‌سبب ناتوانی در ارائه مراحل جزئی‌تر (وودوارد^۴، ۲۰۱۲) ذیل هر دوره انتقاد شده است.

تحول روانی در منابع اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته است. از نظر اسلام انسان موجودی در حال رشد است (غافر: ۶۷) که در جنبه‌های روانی از دوره‌ها و مراحل مشخص عبور می‌کند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۳۶). در قرآن گستره زندگی از تولد تا مرگ به سه دوره کودکی، بلوغ و پیری تقسیم شده است (دینوری، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۵۵). با توجه به اینکه رشد و تربیت انسان عمدتاً در دوران کودکی و جوانی اتفاق می‌افتد، در روایات تحول روانی از تولد تا ۲۱ سالگی مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، رسول خدا (ص) می‌فرماید: کودک در ۷ سال اول سید و آقاست، در ۷ سال دوم روحیه اطاعت و فرمانبرداری دارد و در ۷ سال سوم، وزیر و مشاور است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۹۵). امام صادق (ع) می‌فرماید: کودک ۷ سال اول بازی می‌کند، ۷ سال دوم، خواندن و نوشتن یاد می‌گیرد و ۷ سال سوم، حلال و حرام را می‌آموزد (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۶۵). بنابراین، در روایات از سه دوره ۷ ساله یاد شده که هر کدام از کنش‌ها و ساخت‌های روانی ویژه‌ای حکایت می‌کند. در این دوره‌ها هم به جنبه تحول شناختی و هم به جنبه تحول عاطفی به‌مثابه پویایی درهم‌تنیده توجه شده است.

ایده‌های مربوط به تحول روانی در آیات و روایات به پژوهش‌هایی در این زمینه نیز منجر شده است. رضایی و همکاران (۱۳۹۷)، فرزند وحی و حیدر نژاد (۱۳۹۲)، مظاهری (۱۳۸۶)، هدله (۲۰۱۶) و عبدالرزاق (۲۰۱۹) تلاش کرده‌اند فرایندهای روان‌شناختی مانند تفکر، ادراک، زبان، رفتار اجتماعی و مسئولیت‌پذیری را متقارن با توالی و مراحل رشد توصیف و تبیین کنند. با وجود این، این پژوهش‌ها بیشتر با رویکرد تربیتی بوده و جای یک الگوی روان‌شناختی در زمینه تحول روانی براساس منابع اسلامی که دوره‌ها و مراحل

1. Rice
2. Damon
3. Benetka
4. WoodWaRd

به‌طور دقیق و مشخص از هم متمایز شده باشد، هم‌چنان خالی است. بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که در منابع اسلامی چه دوره‌ها و مراحل برای تحول روانی در نظر گرفته شده است و آیا می‌توان به الگویی جامع در این زمینه دست یافت؟

روش

در این تحقیق از روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی (شجاعی، در دست چاپ) استفاده شده است. پایه و اساس تحلیل کیفی محتوای متون دینی، پردازش فعال متن (مفاهیم، واژه‌ها، گزاره‌ها) است که با به‌کارگیری اصول معناشناسی زبانی (شجاعی، ۱۳۹۳) صورت می‌گیرد. جامعه آماری (جامعه اسنادی) پژوهش همه منابع اسلامی بود. از این مجموعه قرآن کریم، بحارالانوار (مجلسی، ۱۴۰۳ق)، اصول کافی (کلینی، ۱۳۸۵)، مستدرک الوسائل (طبرسی، ۱۳۶۳)، تحف العقول (حرانی، ۱۴۰۴ق) و میزان‌الحکمه (محمدی ری شهری، ۱۳۷۶) برای نمونه (نمونه خوشه‌ای) انتخاب و مستندات دینی از این مجموعه گردآوری شد. واحدهای نمونه‌گیری در هر خوشه (کتاب و منبع) مفاهیم، واژه‌ها و گزاره‌های ناظر به تحول روانی بود.

نمونه‌گیری در این پژوهش به‌صورت زنجیره‌ای یا شبکه‌ای^۱ انجام شده است. این نوع نمونه‌گیری معمولاً در شرایطی به‌کار گرفته می‌شود که موردهای مورد مطالعه در یک جا متمرکز نیستند (جاکوبز^۲ و همکاران، ۲۰۱۰). فرایند کار به این صورت بود که ابتدا مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با تحول روانی به شیوه «متن خوانی باز» از متون دینی استخراج شد. صورت‌بندی اولیه مفاهیم و گزاره‌ها به‌بازشناسی دوره‌های کلی تحول روانی و تعیین خطوط اصلی پژوهش منجر شد. سپس در یک توالی نقطه به نقطه و به‌صورت تدریجی مستندات مربوط به تحول روانی در چهار مرحله به‌صورت زیر گردآوری و تجزیه و تحلیل شد. مرحله اول: مشاهده نظام‌مند (شناسایی و استخراج گزاره‌های مرتبط با موضوع و هدف پژوهش از آیات و روایات و منابع اسلامی). مرحله دوم: غرقه شدن در محتوا (معرفت‌شناسی درون‌متنی، معناکاوی و تفسیر، ورود به لایه‌های پنهان متن، استدلال و نتیجه‌گیری). مرحله سوم: صورت‌بندی یافته‌ها (کشف ساخت‌ها و مضامین پایه، یکپارچه‌سازی اطلاعات و سرانجام ترسیم نقشه ذهنی عمل‌گرایانه). مرحله چهارم: بازآفرینی و ارائه (عملیاتی‌سازی و ایجاد

1. chain or network sampling
2. Jacobs

ساخت‌های مفهومی همگرا با ادبیات روان‌شناسی).

برای کاهش سوگیری در جمع‌آوری داده‌ها از روش بازبینی توسط محقق و دقت در جمع‌آوری و ثبت اطلاعات استفاده شده است. برای اعتبارسنجی، علاوه بر اینکه مفاهیم و گزاره‌ها از منابع اسلامی انتخاب، و تحلیل و تفسیرها براساس مبانی تفسیری و روان‌شناختی انجام شده‌اند، نظر خبرگان (سه نفر متخصص روان‌شناسی و حوزوی) در این خصوص لحاظ شده است. خطایذیری در این پژوهش به دو منبع یکی سند گزاره‌ها (به‌ویژه روایات) و دیگری برداشت محقق قابل‌افراز است.

یافته‌ها

منظور از تحول روانی در این پژوهش عبارت است از تغییرات کمی و کیفی نسبتاً پایدار، مستمر و فراگیر در قابلیت‌ها، توانایی‌ها، عملکردها و سازوکارهای روانی فرد که به‌صورت منظم و براساس قوانین ازپیش تعیین‌شده در سراسر زندگی اتفاق می‌افتد (مصباح و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۸). براساس منابع اسلامی، تحول روانی فرایندی مستمر و پویاست که سراسر زندگی (لحظه‌انقضاد نطفه تا پس از مرگ) را دربر می‌گیرد (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۳۵۳).

براساس یافته‌های این پژوهش، در قرآن زندگی به سه دوره کلی تقسیم شده و از دو ضعف و یک نیرومندی سخن به‌میان آمده است (روم: ۵۴). ضعف اول، مربوط به دوره کودکی است. نیرومندی به دوره جوانی اشاره دارد که فرد از نظر رشد و توانایی به بالاترین نقطه می‌رسد و ضعف دوم به پیری اشاره دارد. در این دوره توانایی‌های فرد رو به تحلیل می‌رود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۰۴). با توجه به این تغییرات شاید بتوان تحول روانی را به یک نیم‌دایره یا حرکت خورشید در طول روز تشبیه کرد. درمجموع، از نظر تحولی، بررسی آیات و روایات پنج دوره کلی را به دست داد که عبارت‌اند از: کودکی، نوجوانی، جوانی، بزرگ‌سالی و پیری. همچنین، هر دوره از چند مرحله تشکیل یافته است.

دوره کودکی

واژه‌ای که در منابع اسلامی برای اشاره به این دوره به‌کار رفته طفولیت است (طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۴۱۸). طفولیت از ابتدای تولد تا ۱۲-۱۳ سالگی را دربر می‌گیرد (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۵۲۱) و شامل سه مرحله است.

مرحله اول: شیرخوارگی یا کودکی اولیه (تولد تا ۲ سالگی)

اولین مرحله تحول روانی، شیرخوارگی (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۲) است که دو سال اول زندگی را دربر می‌گیرد (بقره: ۲۳۳؛ برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۰۹) و با ضعف و وابستگی مشخص می‌شود (سمین، ۱۴۱۴ق). از نظر اسلام علی‌رغم اینکه کودکان زندگی را با لوح سفید آغاز نمی‌کنند و حتی هنگام تولد یک سری گرایش‌های فطری دارند (روم: ۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۷۹)، ضعیف به دنیا می‌آیند (نساء: ۲۸). در این مرحله نوزاد به جز برخی واکنش‌های اساسی از جمله گریه کردن و مکیدن (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷، ص ۳۴۸)، در انجام بسیاری از فعالیت‌ها ناتوان است. حتی وقتی تشنه و گرسنه می‌شود یا درد می‌کشد، نمی‌تواند بیان کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷، ص ۳۵۲). در این مرحله کودک برای بقا، امنیت و محبت کاملاً به مادر یا جانشین مادر وابسته است. بدون رسیدگی مادر حتی نمی‌تواند زنده بماند. از این رو، خداوند مهر و شفقت کودک را در دل مادر قرار داده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۶۲) تا نیازهای زیستی او را برطرف کند. سازوکارهای ارضای نیازهای زیستی نیز در وجود مادر تدارک دیده شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۶۲). تغذیه با شیر مادر در این مرحله اهمیت زیادی دارد. به همین سبب، خداوند در قرآن تغذیه با شیر مادر را تا دوسالگی توصیه می‌کند (بقره: ۲۳۳). تعبیر شیرخوارگی توضیح بسیار خوبی برای رابطه کودک و مادر به‌عنوان فرایندی زیستی - روانی فراهم می‌آورد (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۲)، زیرا در این حالت، رابطه بین کودک و مادر صرفاً زیستی نیست، بلکه روانی هم هست و گویا هستی کودک و مادر با هم ترکیب شده‌اند. از سوی دیگر، کودک در جریان تغذیه نه تنها شیر دریافت می‌کند، بلکه برخی از نیازهای عاطفی او نیز ارضا می‌شوند. رابطه سالم، ویژگی‌های مثبت را در کودک پرورش خواهد داد. همچنین، کیفیت شیردهی در شکل‌گیری شخصیت کودک مهم است. برای مثال، شیردهی باید از هر دو پستان (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۵۳) و با عشق و علاقه کامل صورت گیرد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۲۹). فردی که به منزله جانشین مادر انتخاب می‌شود نیز باید شایستگی‌های لازم را داشته باشد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۷۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۶۸).

مهم‌ترین حالت روانی برای والدین این است که کودک را بخشی از وجود خود بدانند (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۳). در این صورت، احساس پذیرش در کودک شکل خواهد گرفت. از نظر امام سجاد (به نقل از: نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۱۶۱) پذیرش

اساسی‌ترین نیاز روانی کودک است. والدین با شفقت و دلسوزی می‌توانند احساس خود را بیان کنند (نوری، همان ج ۱۵، ص ۲۱۵). بی‌توجهی به این نیاز به احساس طردشدگی و سرانجام اختلال منجر می‌شود (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۶، ص ۸۳۶).

در مرحله شیرخوارگی — به‌خصوص روزها و ماه‌های اول — کودکان دارای توانایی‌های ادراکی کمی هستند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۶۴). در قرآن نیز به این موضوع اشاره شده که توانایی‌های شناختی کودک در ابتدا بسیار محدود است و به مرور زمان رشد می‌کند (نحل: ۷۸). در ماه‌های اول، کودک احساس‌های خود را فقط از طریق گریه بیان می‌کند، ولی به تدریج قادر می‌شود با استفاده از زبان علاوه بر برقراری ارتباط، اطلاعات، افکار و احساس‌های خود را به دیگران منتقل کند (مظفر، بی‌تا، ص ۶۲). یکی از تجربه‌های ناگوار مرحله شیرخوارگی رویدن دندان است که با تنش و درد همراه است و می‌تواند به لحاظ روانی اثر منفی بگذارد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۱۱۰).

مرحله دوم: صباوت یا کودکی میانه (از ۲ تا ۷ سالگی)

کودکی میانه با از شیر گرفته شدن آغاز می‌شود. تعبیری که در آیات و روایات برای این مرحله به کار رفته «کودک از شیر گرفته شده» است (شعراء: ۱۸؛ شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۲۱۸). مهم‌ترین ویژگی این مرحله «جدایی» است به گونه‌ای که قرآن کریم از آن با تعبیر «فصال» یعنی جدا شدن یاد کرده است (لقمان: ۱۴؛ احقاف: ۱۵). در روایات از این رویداد به فطام (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۷۶) و به کودک از شیر گرفته شده «فطیم» گفته شده است (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۰۶). در این مرحله از شیر گرفته شدن تجربه جدیدی است. کودک از مادر و پستان جدا می‌شود (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۴۵). از شیر گرفته شدن احساس ناکامی و اضطراب را نیز در پی دارد (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۱۶). در عین حال، هم‌زمان با فرایند جدا شدن کودک به‌طور فعالانه شروع به تمایز یافتگی می‌کند تا تفاوت بین تجربیاتی را که مربوط به خود او هست و آن‌هایی را که به دیگران (مادر) مربوط می‌شود، درک کند. در این مرحله، مادر باز هم مهم‌ترین فرد است (صنعانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۳۸)، اما نقش او با آنچه در مرحله شیرخوارگی بود تفاوت پیدا می‌کند. احساس وابستگی و یکی بودن با مادر اکنون به تعامل دوسویه تبدیل می‌شود. در این مرحله مادر یا جانشین مادر به جای اینکه بر این اساس در نظر گرفته شود که چگونه نیازهای کودک را ارضا می‌کند، به این صورت ارزیابی

می‌شود که آیا احساس محبت متقابل از خود نشان می‌دهد یا اینکه احساس بی‌تفاوتی می‌کند (مظفر، بی‌تا، ص ۹۷).

وقتی رهایی از وابستگی، کودک را به سطوح بالاتر رشد هدایت می‌کند جهان تجربی او نیز گسترده‌تر می‌شود. کودکان در این سن علاقه زیادی به کنجکاوی و بازی از خود نشان می‌دهند (خویی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۳۰)، به همین دلیل این مرحله، سن بازی نیز نامیده شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۹۲). بازی یکی از چند فرایند مهم تحول روانی در این مرحله شمرده می‌شود. امام صادق^(ع) می‌فرماید: فرزند خود را تا هفت سالگی آزاد بگذارید که بازی کند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۷۳). هم‌بازی شدن با کودک برای تسریع این فرایند و برقراری رابطه صمیمانه در مراحل بعدی کمک می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۸۶). کودکان در این مرحله باید همکاری کردن، رقابت کردن، مهرورزی و احترام را یاد بگیرند. چیزی که در روایات از آن به «ادب‌آموزی» هم تعبیر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۲، ص ۳۱۷). از نظر رسول خدا^(ص) ادب‌آموزی گام مهمی در فرایند اجتماعی شدن و مهم‌ترین تکلیفی است که کودکان در این مرحله از رشد با آن روبه‌رو هستند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۶۵).

در این مرحله با اینکه غریزه جنسی هنوز به‌طور کامل بیدار نشده است (نور: ۳۱) و کودکان نسبت به خیلی از موضوعات اشتغال ذهنی پیدا نکرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۱۵)، ولی باید یک‌سری آموزش‌های لازم را در این زمینه ببینند. براساس آموزه‌های اسلامی تا پایان این مرحله کودکان باید جهت‌گیری به سمت زندگی‌ای را پرورش داده باشند که ورود به دنیای بزرگ‌سالی و مراقبت‌های جنسی در ارتباط با دیگران را آسان‌تر کند. گرچه همه این پنج سال (۲ تا ۷ سالگی) اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۲)، اما به اواخر این دوره توجه بیشتری شده است. کودکان در ۶ تا ۷ سالگی اصول اعتقادی (هندی، ۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۴۴۱)، رفتارهای عبادی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۱۰۵؛ ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۹۴)، عفاف و حجاب و انتظارات نقش جنسی (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۳۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۲۳۰) را یاد می‌گیرند. این مرحله از رشد، هم‌زمان با افتادن دندان‌های شیری در ۷ سالگی، به پایان می‌رسد (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۸۵).

مرحله سوم: از ۷ تا ۱۲-۱۳ سالگی (کودکی پایانی)

مرحله سوم از ۷ سالگی شروع می‌شود و تا ۱۲ و ۱۳ سالگی ادامه می‌یابد. ویژگی بارز این

مرحله، افزایش درک، فهم و توانایی‌های شناختی است. توانایی یادگیری در این سن به قدری بالاست که هر چه آموزش داده شود، فوراً یاد گرفته می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۲۳). خلاف مرحله قبل که روی بازی متمرکز بود، توجه فرد در این مرحله به درس و ورزش و سرگرمی‌های واقعی جلب می‌شود. شاید به همین سبب، در برخی روایات، هفت سال دوم زندگی به خواندن و نوشتن و فراگیری مهارت‌های مورد نیاز مانند شنا و تیراندازی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۷) و آموزش نقش‌های جنسیتی (سیوطی، ۲۰۰۳، ج ۷، ص ۱۶۴) اختصاص یافته است. امام علی (ع) اصطلاح «یافع» را برای اشاره به این مرحله به کار برده است (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۹۴). یافع در لغت به معنای کودکی است که هنوز به سن بلوغ نرسیده، ولی به لحاظ اجتماعی، هوشی، هیجانی و فیزیکی کاملاً رشد یافته تلقی می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷، ص ۳۵۱؛ هواری، ۲۰۱۰ص ۱۸۹۶). از دیگر ویژگی‌های این مرحله بیداری احساس جنسی است. با توجه به این ویژگی از فرزندان خواسته شده است در اوقاتی که زمان خلوت والدین است، از آن‌ها اجازه ورود بگیرند (نور: ۵۸). با توجه به آنچه بیان شد این مرحله را می‌توان مرحله رشدیافتگی و تمییز (مرحله یفاع) نام‌گذاری کرد (میدانی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۵۹)، زیرا کودک در این سن به توانایی تشخیص خوب و بد، درک تفاوت‌های جنسیتی و آمادگی برای آموزش رسمی دست می‌یابد.

دوره نوجوانی

نوجوانی دوره بسیار مهمی است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۹۸)؛ به این سبب، گاهی نوجوانی به پلی بین کودکی و بزرگسالی تشبیه شده است که فرد برای یافتن جایگاه خود به منزله بزرگسال رشد یافته باید از آن عبور کند. در این پژوهش، نوجوانی از کلمه «بلوغ» گرفته شده که به معنای «رشد کردن» و «رسیده شدن» است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۸۶؛ ابن حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۳۵۷). دختران به طور متوسط یک تا دو سال زودتر از پسران به سن بلوغ می‌رسند. دوره نوجوانی از ۱۲، ۱۳ تا ۱۸ سالگی را در بر می‌گیرد و به سه مرحله تقسیم می‌شود (زهیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۸، ص ۲۲۰).

مرحله ابتدای نوجوانی (حدود ۱۲ تا ۱۳ سالگی)

ابتدای نوجوانی مرز بین کودکی و نوجوانی است. این مرحله در دختران ۱۱ تا ۱۲ سالگی

و در پسران ۱۲ تا ۱۳ سالگی را شامل می‌شود (هاشمی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۹۰). برخی محققان بدون اشاره به این تفاوت، ابتدای نوجوانی را ۱۲ سالگی ذکر کرده‌اند (حفنی، ۲۰۰۴، ج ۱، ص ۶۶۵). واژه‌ای که در منابع اسلامی برای اشاره به این مرحله به کار رفته، مراهقه است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۹۶). از نظر واژگانی مراهقه از کلمه رهق به معنای نزدیکی (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۱۸۳) گرفته شده و در این جا منظور از آن مرحله‌ای است که فرد به سن بلوغ جنسی نزدیک می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۷۴).

ابتدای نوجوانی با یک‌سری تغییرات جسمی همراه است که به صورت متوالی رخ می‌دهد (شیخ‌زاده، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۶۱۴) و یک‌سری پیامدهای روان‌شناختی (تحریک‌پذیری و ناپایداری خلقی) را به همراه دارد. این مسئله به‌ویژه در ۱۲، ۱۳ سالگی که نوجوانان در حال سازگاری با تغییرات بلوغ هستند، بیشتر دیده می‌شود.

یکی از واژه‌هایی که برای اشاره به ابتدای مرحله نوجوانی به کار رفته کلمه «غلام» است (شریعتمداری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۵۲). دلیل اصلی اینکه به فرد در این مرحله غلام گفته می‌شود این است که هیجان و شهوت جنسی در وی برانگیخته می‌شود و این با معنای لغوی غلام همخوانی دارد (ابن عادل، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۰۳).

همچنین، در آغاز نوجوانی از یک‌سو وابستگی‌های قبلی بازننگری می‌شود و از سوی دیگر باورهای ارائه‌شده از سوی خانواده و جامعه مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. در حدود ۱۳ سالگی پرسش‌های گوناگونی درمورد خدا، حقیقت و معنای زندگی مطرح می‌شود. افراد در این سن علاقه دارند دنیای خود را از نو بسازند. شخصیت در ابتدای نوجوانی پر از چالش‌ها، استرس‌ها و مشکلاتی است که باید حل شوند. با توجه به این ویژگی‌ها تعبیری که در این سن برای نوجوان به کار می‌رود، ناشی و ناشئه است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷، ص ۳۵۱؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ص ۷۸). در مرور زمان این جنبه از تحول روانی به عالی‌ترین و پرمعناترین کوشش وی در زندگی تبدیل می‌شود.

مرحله میانی نوجوانی (حدود ۱۳ تا ۱۶ سالگی)

در این مرحله فرد به بلوغ جنسی می‌رسد (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۲۴) و می‌تواند بچه‌دار شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷، ص ۳۵۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۵۷). به همین سبب در قرآن برای اشاره به آن «بلوغ نکاح» تعبیر شده است (نساء: ۶). اضطراب ناشی از بلوغ، آسیب اساسی در این مرحله است که می‌تواند اثرات منفی روانی بر جای بگذارد. این مرحله فقط به بلوغ جنسی محدود نمی‌شود، بلکه فرد از نظر شناختی به رشد

کافی می‌رسد. برای مثال، صلاحیت عهده‌دار شدن امور مالی خود را پیدا می‌کند (نساء: ۶) و زمان انجام تکالیف عبادی فرا می‌رسد (قونیوی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۹). بنابراین، هر کسی که به بلوغ جنسی می‌رسد، به سن تکلیف هم می‌رسد (شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۰۲). رشد عقلی مبنای تکلیف و معیار محاسبه و مؤاخذه‌الاهی است. از سوی دیگر، ۱۴ سالگی به بعد دوره «فراگیری بایدها و نبایدهای اخلاقی و ارزشی» هم نام‌گذاری شده است (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۴۷). این نشان می‌دهد که در این مرحله نوجوانان ظرفیت بیشتری برای تفکر اخلاقی و ارزشی کسب می‌کنند. بدیهی است رشد اخلاقی و مذهبی موازی یکدیگرند و روی هم رفته هر دو هویت دینی فرد را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، پس از شک و تردیدهایی که در آغاز نوجوانی به وجود آمده است، در این مرحله فرد به تدریج نظام اعتقادی و الگوهای فرهنگی، اخلاقی و دینی خود را می‌سازد (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸، ص ۱۴۰۸).

مرحله پایانی نوجوانی (۱۶ تا ۱۸ سالگی)

دو سال آخر نوجوانی مرحله‌ای مجزا محسوب می‌شود (بقاعی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۱۹). در این مرحله نوجوانان رفته رفته در صدد کسب استقلال و فاصله‌گیری از والدین بر می‌آیند و در این راستا احساس تعلق خاطر بیشتری با هم‌سالان پیدا می‌کنند. تمرد و سرکشی، ناپایداری هیجانی، بی‌تجربگی و گرایش به رفتارهای بزهکارانه برخی از ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان در این مرحله شمرده می‌شود (علمان، ۲۰۰۶). هیجان‌ها در سال‌های پایانی نوجوانی شکل باثبات‌تری پیدا می‌کند. وقتی نوجوان کاملاً از نظر عاطفی و شناختی به حد رشد مطلوب می‌رسد که با پشت سر گذاشتن دوره نوجوانی، ثبات و تعادل هیجانی بیشتری یابد (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۱۱۲).

دوره جوانی

با پشت سر گذاشتن نوجوانی، دوره جوانی فرا می‌رسد. در منابع اسلامی برای اشاره به دوره جوانی واژه «شباب» به کار رفته است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۱۸۰، ج ۷۴، ص ۱۶۰). به خود جوان «شاب» و «فتی» گفته می‌شود (شعیری، بی‌تا، ص ۷). در آیات و روایات جوانی با ویژگی‌هایی چون شکوفایی، بالندگی و سرزندگی توصیف شده است (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۳۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۴۷) و تا هر زمانی که این ویژگی‌ها وجود داشته باشد، فرد جوان خواهد بود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ص ۱۶).

همچنین، در قرآن جوانی، «بلوغ اشد» نامیده شده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۵۸). کلمه اشد در این تعبیر به توانایی، غلبه، نیرومندی (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۳۱۸)، استحکام، استواری و صلابت (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۱۳۵) اشاره دارد. بنابراین، جوانی یک ویژگی کیفی (نیرومندی، قدرت و پایداری) است (ابن فارس، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۷۷).

البته شواهدی هم وجود دارد مبنی بر اینکه سن معیار جوانی است. در این زمینه دو رویکرد وجود دارد. برخی برای جوانی سنین خاصی از جمله ۱۸، ۳۰، ۳۳ (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۸۷) و ۴۰ سالگی را ذکر کرده‌اند (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۳۱۸). در مقابل برخی دیگر، جوانی را نه مقطع سنی خاص، بلکه دوره‌ای از زندگی برای مثال، ۱۸ تا ۳۰ سالگی یا ۳۰ تا ۴۰ سالگی می‌دانند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ص ۲۳۴).

به اعتقاد بسیاری از محققان دوره جوانی از حدود ۱۸ سالگی شروع می‌شود (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۰۰) و به‌طور معمول تا ۳۰ سالگی به پایان می‌رسد (طریحی، بی تا، ج ۲، ص ۴۷). طبق برخی روایات، جوانی تا ۴۰ سالگی ادامه دارد (شریبی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۵۹۶). در مورد محدوده جوانی دیدگاه‌های دیگر نیز وجود دارد. برای مثال، از ۱۸ تا ۳۶ سالگی، ۱۵ تا ۳۸ سالگی (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۸۷) و ۲۱ تا ۴۲ سالگی (بقاعی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۴۷۰). براساس یافته‌های این پژوهش، جوانی فرایند مستمری است که از ۱۸ سالگی شروع می‌شود و تا ۴۰ سالگی ادامه می‌یابد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ص ۲۳۴؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۹۵). اگر هم برخی محققان نقطه شروع جوانی را ۱۵ سالگی در نظر گرفته‌اند به این سبب است که زمینه‌های آن از بلوغ شرعی آغاز می‌شود و در طول زمان استمرار می‌یابد (جرجانی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۶۳۷).

از نظر علامه طباطبائی جوانی (بلوغ اشد) در مسیر اشتداد بیشتر و بیشتر در جریان است و در این فرایند شخصیت به سرعت با کارآمدی بیشتر عمل می‌کند تا به کمال برسد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۵۸). همچنین، براساس تفاوت‌های کیفی در طی این فرایند می‌توان سه مرحله را از هم متمایز کرد.

مرحله ابتدای جوانی (۱۸ تا حدود ۲۱ سالگی)

مرحله ابتدای جوانی (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۲۱) از ۱۸ سالگی تا حدود ۲۱ سالگی را دربر می‌گیرد. در این مرحله هیجان‌ات و گرایش‌های منفی غلبه دارد (ابن کثیر، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۷۷؛ همه افراد کمابیش دارای ویژگی هستند که علی (ع) آن را «مستی جوانی» نامیده

است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۳۸۳). مستی جوانی حالتی است که در آن فرد نمی‌تواند از خودِ عمل یا پیامد آن درک کاملی داشته باشد. با این حال، به نظر می‌رسد مستی جوانی منبع انگیزشی نیرومندی برای فرد محسوب می‌شود و ناتوانی در کنترل آن او را به سمت آشفتگی روانی به پیش خواهد برد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۳۳). ابتدای جوانی در فرایند تحول روانی مهم است، زیرا عقل و شهوت که همواره برای استیلا با یکدیگر در کشمکش بوده‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۲۰۹)، در این مرحله با غلبه یکی بر دیگری تا حدودی حل می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۶) و نتیجه آن به صورت رشد خود و ثبات هیجانی در فرد بروز و نمود پیدا می‌کند.

مرحله میانی جوانی (حدود ۲۱ تا ۳۰ سالگی)

وقتی فرد به ۲۱ سالگی می‌رسد، وارد مرحله جدیدی می‌شود (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۴۹۴). شروع این مرحله با روایت سه هفت سال نیز مطابقت دارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۹۵). این در حالی است که برخی دیگر شروع مرحله میانی را از ۲۴ سالگی گفته‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۰۷). ویژگی بارز این مرحله پویایی و تعادل قوای روانی است که در قرآن با کلمه «استوا» بیان شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۳۹؛ شحاته، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۳۳۸).

این مرحله اوج دوره جوانی است و در برخی روایات به آن اشاره شده است (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۳، ص ۵۹۶؛ طبری، ۱۴۱۳ق، ص ۲۳۹). گرایش‌های معنوی و اخلاقی از مهم‌ترین وظایف دوره جوانی محسوب می‌شود (متقی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۷۸۶). افرادی که به تقویت گرایش‌های معنوی و اخلاقی در خود نمی‌پردازند، هرگز نمی‌توانند مرحله جوانی را به درستی پشت سر بگذارند (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۷۷۶). پذیرش ارزش‌های معنوی و اخلاقی به دریافت پاداش‌های معنوی منجر می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷، ص ۸۴) و در سطح رفتارهای اجتماعی نیز خود را نشان می‌دهد (فیض کاشانی، ۱۳۷۱، ص ۲۷۰).

از سوی دیگر، ویژگی‌هایی مانند اضطراب، تضادورزی، رفتارهای انفجاری، هیجان‌پذیری و سطح تحمل ناکامی پایین که در مراحل قبلی بود، در این مرحله به ثبات هیجانی می‌انجامد و فرد می‌تواند متناسب با موقعیت‌های مختلف از خود واکنش نشان دهد. همچنین، فرد به کنترل تکانه‌های غریزی از قبیل خشم، عصبانیت، پرخاشگری و

تمایلات جنسی قادر می‌شود (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۸۹). با وجود اینکه ثبات هیجانی از تکالیف رشدی این مرحله شمرده می‌شود، بسیاری افراد از فقدان آن رنج می‌برند. بنابراین، برای بررسی سطح تحول روانی فرد در این مرحله باید دید چگونه با هیجان‌های خود کنار می‌آید، با آن سازگار می‌شود و آن را تنظیم و کنترل می‌کند.

مرحله اواخر جوانی (حدود ۳۰ تا ۴۰ سالگی)

اواخر جوانی از حدود ۳۰ سالگی آغاز می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۲۸۶) و تا ۳۸ (خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۳۰) تا ۴۰ سالگی (احقاف: ۱۵) ادامه می‌یابد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۳۰؛ شربینی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۵۹۶). در روایتی از امام صادق (ع) محدوده این مرحله از ۳۳ تا ۴۰ سالگی در نظر گرفته شده است (ثقفی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۶۵۱). چه بسا با توجه به این روایت برخی محققان مرحله آخر جوانی را از ۳۳ تا ۴۰ سالگی در نظر گرفته‌اند (خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۸۸). در واقع، ۴۰ سالگی نشان‌دهنده بالاترین رشد شخصیت است. در مورد فردی که به این مرحله از تحول روانی رسیده باشد «المجتمع» (فردی دارای همه کمالات) گفته می‌شود (خراسانی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۸۱۱، ۸۵۲). این اصطلاح به کلیت و یکپارچگی شخصیت که مستلزم باروری، هم‌گرایی و تلفیق همه قوا و نیروهای فرد است، اشاره دارد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۰۴). قوه عقلی در این مرحله کامل می‌شود (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۸۷) و در همین سن است که فرد به پیامبری می‌رسد (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۵، ص ۵۵).

در مورد برخی افراد سال‌های آخر جوانی معمولاً با نوعی رکود همراه است. رکود به معنای توقف، یک‌نواختی و ناتوانی است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۹، ص ۳۴۲). در عین حال، گاهی شور و نشاط جوانی حتی بعد از ۴۰ سالگی هم دیده می‌شود (ابن عربی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۳۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۳۱).

دوره میان‌سالی

دوره چهارم میان‌سالی است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۹۰) که در آیات (آل عمران: ۴۶؛ مائده: ۱۱۰) و روایات (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۲۲۲) معمولاً برای اشاره به آن واژه کهولت به کار رفته است. خداوند در قرآن از این دوره به دوره ضعف هم تعبیر کرده است (روم: ۵۴)، زیرا در طول این دوره آثار ضعف و ناتوانی در فرد پدیدار می‌شود (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۸).

دورهٔ میان‌سالی از ۴۰ تا ۶۰ سالگی را دربر می‌گیرد (شرینی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۲۷۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰، ص ۲۴۰)، ولی در عین حال، زمینه‌های آن به تدریج از ۳۰ سالگی کم کم به وجود می‌آید. امام صادق^(ع) می‌فرماید: وقتی فرد ۳۰ سالگی را پشت سر گذاشت وارد میان‌سالی می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۲۵۳). در روایتی دیگر از امام رضا^(ع) نقل شده است که فرمود: میان‌سالی از ۳۵ سالگی شروع می‌شود (امیرصادقی، ۱۳۸۱، ص ۶۱). از مجموع روایات استفاده می‌شود که افراد در کنار گسترش خود در دورهٔ جوانی، به تدریج با جنبه‌هایی از ضعف و ناتوانی روبه‌رو می‌شوند (بقاعی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۲۸۹) و این ضعف و ناتوانی بعد از ۴۰ سالگی به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌یابد (مکی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۱۹۲۷). براساس یافته‌های این پژوهش، در این دوره دو مرحلهٔ ۱۰ ساله را برحسب یک‌سری کارکردهای روان‌شناختی می‌توان از هم متمایز کرد.

مرحلهٔ میان‌سالی اولیه (۴۰ تا حدود ۵۰ سالگی)

مرحلهٔ میان‌سالی اولیه از ۴۰ سالگی شروع می‌شود (شرینی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۲۷۶؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۱ق، ص ۲۱۶) و تا ۵۰ یا ۵۲ سالگی خاتمه می‌یابد (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۴۴؛ مکی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۱۹۲۷). ویژگی اصلی میان‌سالی اولیه این است که توانایی‌های عمومی فرد شروع به نقص می‌کند (صاوی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۱۹۸)، ولی در عین حال، رشد عقلی در این مرحله ادامه می‌یابد و افراد مهارت‌های شناختی جدیدتری کسب می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۳۱)، توانایی فکر کردن دربارهٔ فرایندهای ذهنی و گذر از حال به گذشته و آینده را یاد می‌گیرند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۹). به رغم تغییراتی که در این مرحله اتفاق می‌افتد فعالیت‌های جنسی افراد فعال باقی می‌ماند. چه‌بسا زوج‌های میان‌سال می‌توانند رابطهٔ جنسی بسیار فعال‌تری داشته باشند، زیرا از مفاهیم عشق و احترام به درک جدیدتری دست می‌یابند. این نشان می‌دهد که میان‌سالی اولیه می‌تواند دوره‌ای برای غنی‌تر شدن زندگی در برخی زمینه‌ها باشد. از سوی دیگر، میان‌سالی زمان گسترش مسئولیت‌ها در منزل، محل کار و جامعه است. محور فعالیت‌های اجتماعی فرد از خانواده به بیرون از خانواده گسترش پیدا می‌کند. در این صورت، افراد نه تنها نگران خود هستند، بلکه سعی می‌کنند به دیگران کمک کنند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۴۹).

مرحله میان‌سالی پایانی (۵۰ تا ۶۰ سالگی)

با پشت سرگذشتن ۵۰ سالگی، فرد وارد دومین مرحله می‌شود که از برخی جنبه‌ها با مرحله قبل تفاوت‌های اساسی دارد. تغییرات زیستی که در اوایل میان‌سالی شروع می‌شود، در این مرحله ظهور و بروز بیشتری پیدا می‌کند. برای مثال، در این دوره قدرت باروری کاهش می‌یابد و یائسگی در زنان اتفاق می‌افتد (زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۲۴۴). یائسگی تغییر زیستی بسیار مهمی است که طی آن زنان امکان بچه‌دار شدن طبیعی را از دست می‌دهند. با این حال، زنانی که سیده نیستند، زودتر یائسه می‌شوند (حلی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۳۷). یائسگی می‌تواند بحرانی روانی در نظر گرفته شود، زیرا برای برخی زنان یائسگی به معنای از دست دادن قدرت باوری است.

گرچه برای بسیاری از افراد سال‌های پایانی میان‌سالی دوره‌ای است که افراد جایگاه خود را در جامعه پیدا کرده‌اند. در عین حال این مرحله می‌تواند دوره آرزوهای برآورده‌نشده نیز باشد. گاهی افراد با تشخیص اینکه شغل و برنامه‌های زندگی‌شان اصلاً برای آنان جذابیتی ندارد، در این اندیشه فرو می‌روند که در نیمه دوم عمر خود واقعاً قصد دارند چه کنند. آن‌ها رفته رفته، براساس تجربه‌ها یا موقعیت‌های تازه‌ای که در زندگی خود یافته‌اند، با روی آوردن به رفتارهای کاملاً متفاوت، جهت‌گیری زندگی خود را تغییر می‌دهند. بر اساس آموزه‌های دینی، این مرحله می‌تواند فرصتی برای درون‌نگری باشد که طی آن فرد به بررسی احساسات، نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای خود می‌پردازد و برای اصلاح و مراقبت از آن‌ها تلاش کند. از این رو، محاسبه و مراقبه نفس یکی از مهم‌ترین وظایف دوره میان‌سالی برشمرده شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۳۱۰).

دوره پیری

پیری دوره‌ای که مشخصه آن نقصان بارز در کارکرد بدنی است و از ۶۰ سالگی شروع می‌شود و تا پایان عمر ادامه دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۰۹، ج ۲۷، ص ۵۳۱). در آیات و روایات برای اشاره به این دوره واژه‌های مختلفی همچون شیخ (غافر: ۶۷؛ هود: ۷۲)، شیب (مریم: ۴؛ مزمل: ۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۸)، کبر (آل عمران: ۴۰)، هرم (صفا: ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۴۷؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲۷) و عجوز (هود: ۷۲) به کار رفته است. چون در این دوره افراد به ناتوانی جسمی (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۰)، اختلال در کارکرد شناختی (نحل: ۷۰) و کاهش میل جنسی و ناباروری (آل عمران: ۴۰؛

ذاریات: ۲۹) مبتلا می‌شوند، خداوند در قرآن از آن به دورهٔ ضعف (ضعف ثانویه) یاد کرده است (روم: ۵۴). گرچه ضعف و ناتوانی از میان‌سالگی شروع می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۲۰۰)، اما در دورهٔ پیری به اوج خود می‌رسد (نظام، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۲۸۲). در این دوره نیرومندی افراد به شدت کاهش می‌یابد و در معرض بیماری‌های مختلف قرار می‌گیرند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۴۸). دورهٔ پیری را به دو مرحله می‌توان تقسیم کرد که عبارت‌اند از:

مرحلهٔ آغاز پیری (از حدود ۶۰ تا ۷۵ سالگی)

آغاز پیری از ۶۰ تا ۷۵ سالگی را دربر می‌گیرد. در طول این مرحله بدن مانند هر دستگاہ دیگری به تدریج دچار فرسودگی می‌شود (خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۳۰). خلق و خوی افراد تغییر می‌کند و برخی توانایی‌های وی از کار می‌افتد (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۵۷). از جمله تغییرات مهمی که در این مرحله اتفاق می‌افتد، تغییر در توانایی‌های حسی (بینایی، شنوایی، و چشایی)، خواب و تغذیه است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۴۱). توانایی‌های شناختی در این مرحله رو به ضعف می‌گراید (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۴). این تغییرات می‌تواند کیفیت زندگی (لذت بردن از زندگی) افراد را تحت تأثیر قرار دهد.

مرحلهٔ کهن‌سالی (از ۷۵ سالگی تا پایان عمر)

این مرحله از ۷۵ سالگی شروع می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۵، ص ۲۶۱) و تا زمانی که فرد زنده است ادامه می‌یابد (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۳۷). ویژگی اصلی مرحلهٔ کهن‌سالی این است که نقصان‌های حاصل از فرایندهای زیستی که در مرحلهٔ قبل آغاز شده است، در این مرحله بیش از پیش بروز می‌کند. از این رو، افراد با مسائلی روبه‌رو می‌شوند که معمولاً در سال‌های اول پیری خیلی ملموس نیستند. بی‌خوابی یکی از مشکلات شایع افراد در این سن است. برخی سالمندان حتی در انجام دادن کارهای روزمرهٔ خود ناتوان‌اند (ابن قتیبه، ۱۴۱۱ق، ص ۲۰۸).

به طور طبیعی، کهن‌سالی برای هرکسی ناخوشایند است. به همین سبب، یکی از تعبیرهایی که در قرآن برای اشاره به این مرحله به کار رفته «ارذل العُمُر» است (نحل: ۷۰؛ حج: ۵۰). واژهٔ ارذل از رذل به معنای پست و بی‌ارزش گرفته شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۸۰) و معمولاً در مورد چیزهایی به کار می‌رود که به سبب نامطلوب

بودن، مورد بی‌ رغبتی قرار بگیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۴۸). در این آیه، اردل العمر به سنین بسیار بالا اشاره دارد که ناتوانی و نسیان وجود انسان را فرا می‌گیرد به گونه ای که حتی نمی‌تواند نیازهای اولیه خود را برآورده کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۱۰).

با بالا رفتن سن افراد، مهارت‌ها و توانایی‌های آن‌ها کم‌تر می‌شود. تا اینکه ضعف و ناتوانی بر تمام اعضا، حالات و خصوصیات فرد مستولی می‌شود و رفته رفته به حالت کودکی بر می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰، ص ۳۶). توانایی‌ها و مهارت‌ها تقریباً به همان تربیتی که کسب شده‌اند، از بین می‌روند. در واقع، این یک نوع فرایند «بازگشت پذیری و وارونگی» است. خداوند در قرآن با کلمه «نکس» به این فرایند اشاره کرده است (یس: ۶۸). نکس در لغت به معنای وارونگی و دگرگونی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۲۴). از نظر رسول خدا (ص) پیری دردی است که درمانی برای آن نیست (ورام، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۲۰). هر چه سن بیشتر می‌شود، ضعف و ناتوانی افزایش می‌یابد. از جمله این توانایی‌ها می‌توان به کارکردهای شناختی اشاره کرد. طبق برخی روایات، در صد سالگی فرد از نظر شناختی به کودک ۷ ساله شباهت پیدا می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۳۸۹). معمولاً دچار اختلال حواس می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۸۴) و حتی ممکن است درک و فهم خود را به‌طور کامل از دست بدهد (نحل: ۷۰؛ جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۱۸). زندگی در این حالت بسیار سخت و طاقت‌فرساست به گونه ای که از رسیدن به این مقطع سنی به خدا پناه برده شده است (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۱۷).

بخش زیادی از زندگی فرد در این مرحله صرف اندیشیدن درباره گذشته و آینده و به‌خصوص مسئله مرگ می‌شود. افراد به زندگی گذشته خود نگاهی می‌اندازند و با شگفتی از خود می‌پرسند که آیا زندگی باارزشی داشته‌اند یا نه. بیشتر افرادی که دوره پیری را پشت سر می‌گذارند، از زندگی خود ناراضی هستند، ولی در عین حال سعی می‌کنند به نحوی با آن کنار بیایند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۹۸). افرادی که قبلاً پذیرش واقعیت متناهی بودن زمان برای آن‌ها سخت بود، در این دوره می‌پذیرند که زندگی پایان‌یافتنی است. یکی از ویژگی‌های دوره کهنسالی ترس و اضطراب برشمرده شده است (ابن حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۲۹۰). افرادی که گذشته خود را مثبت ارزیابی می‌کنند، در مقایسه با افرادی که این برداشت را ندارند از زندگی خود رضایت بیشتری دارند. مهم‌ترین مسئله در دوره پیری کنار آمدن با تنهایی، بیماری و پذیرش و آمادگی برای مرگ است (مجلسی،

۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۱۷۲). افرادی که از قبل برای مردن خود برنامه‌ریزی کرده‌اند و انتظارش را می‌کشند، به راحتی می‌توانند با بیماری و سختی‌های دوره پیری کنار بیایند.

بحث و نتیجه‌گیری

نظام‌های تحول روانی در روان‌شناسی نتیجه تحقیقاتی است که در روان‌شناسی رشد، روان‌شناسی ژنتیک، رشد شناختی و روان‌شناسی شخصیت انجام شده است (سلی و شوت^۱، ۲۰۱۴). گرچه جهت‌گیری کلی این رویکردها تا حدودی متفاوت به نظر می‌رسد، ولی نوع نگاه به انسان و مکانیزم‌هایی که در فرایند تحول روانی لحاظ شده است بسیار شبیه به هم هستند. روان‌شناسان با به کارگیری روش تجربی سعی کرده‌اند فرایند تحول روانی را مورد بررسی قرار دهند. این یافته‌ها گرچه در مجموع ارزشمند است ولی تنها بخشی از حقایق مربوط به انسان را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، زمینه‌های فرهنگی تأثیر خود را روی نظریه‌های روان‌شناسی بر جای گذاشته است. با توجه به محدودیت‌های یادشده به این نتیجه می‌رسیم که الگوهای تحول روانی به همین صورت و بدون آنکه شرایط فرهنگی در آن لحاظ شود، در کشورهای دیگر و از جمله کشورهای اسلامی کارایی لازم را ندارد. پدرسون^۲ (۲۰۱۳) یکی از کسانی است که به دیدگاه چندفرهنگی به‌مثابه نیروی چهارم در روان‌شناسی - بعد از رویکردهای روان‌تحلیلگری، رفتارگرایی، انسان‌گرایی و شناختی - توجه کرده است. وی معتقد است تفاوت‌های بین فرهنگی ضرورت عرضه رویکرد فرهنگ‌محور در زمینه روان‌شناسی را نشان می‌دهد و لازم است در زمینه موضوعات مختلف روان‌شناسی مثل شخصیت، رشد، خانواده، اختلالات و بیماری‌های روانی و سنجش آن‌ها نظریه‌های فرهنگ‌محور و متناسب با شرایط فرهنگی جوامع تدارک دیده شود. با توجه به تأکید بر رویکرد فرهنگی، امروزه شاهد نسخه‌های مختلفی از روان‌شناسی هستیم (شجاعی، ۱۳۹۴، ص ۴۹). در ایران نیز تلاش‌های خوبی در زمینه نظریه‌پردازی (کاویانی، ۱۳۹۸)، مشاوره و درمان (پیشمازی و همکاران، ۱۳۹۶) و آموزش مهارت‌های زندگی (برجعی و همکاران، ۱۳۹۷) با رویکرد فرهنگی انجام شده است.

اگرچه یافته‌های این تحقیق عمدتاً شهودی و نظری است، ولی می‌توان با اجرای پژوهش‌های تکمیلی زمینه کاربردی تجربی آن را فراهم کرد. بدین ترتیب، نتایج این

1. Slee & Shute
2. Pedersen

پژوهش در چارچوب رویکرد فرهنگ‌محور و بر پایه متون و منابع دینی به منزله پایه و اساس ارزش‌های اجتماعی، قابلیت‌های قابل توجهی دارد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- آلوسی، م. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن بابویه، م. (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. دار الاضواء.
- ابن حاتم، ع. (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. ریاض: مکتب نزار مصطفی الباز.
- ابن حیون، ن. (۱۳۸۵). *دعائم الاسلام*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- ابن شعبه حرانی، ح. (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین.
- ابن عادل، ع. (۱۴۱۹ق). *اللباب فی علوم الکتاب*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عربی، م. (۱۴۱۰ق). *رحمه من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن*. دمشق: مطبعه نضر.
- ابن فارس، ا. (۱۴۱۵ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن قتیبه، ع. (۱۴۱۱ق). *تفسیر غرائب القرآن*. بیروت: مکتبه الهلال.
- ابن کثیر، م. (۱۳۷۶). *النهایه فی تفسیر غریب الحدیث و الاثر*. قم: اسماعیلیان.
- ابن منظور، م. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر.
- ابوالفتوح رازی، ح. (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابوحیان، م. (۱۴۲۰ق). *البحر المحیط فی التفسیر*. بیروت: دارالفکر.
- امیرصادقی، ن. (۱۳۸۱). *طب الرضا*. تهران: معراجی.
- بحرانی اصفهانی، ع. (۱۴۱۳ق). *عوالم العلوم و المعارف*. قم: مؤسسه الامام المهدی.
- بحرانی، ک. (۱۳۷۵). *شرح نهج البلاغه*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- برجعی، ا.، رحیمی صادق، ز.، سهرابی، ف.، فلسفی نژاد، م.، و معتمدی، ع. (۱۳۹۷). *اثربخشی یک برنامه آموزشی مهارت‌های زندگی مبتنی بر فرهنگ اسلامی بر شادکامی و تاب‌آوری زنان مطلقه*. *روان‌شناسی فرهنگی*، ۲، ۲۱-۲۱.
- برقی، ا. (۱۳۷۱). *المحاسن*. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- بروجردی، ح. (۱۳۸۶). *جامع الاحادیث شیعه*. تهران: دفتر نشر فرهنگ سبز.
- بغوی، ح. (۱۴۲۰ق). *معالم التنزیل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بقاعی، ا. (۱۴۲۷). *نظم الدر فی تناسب الآیات و السور*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- پیشنمازی، س.م.، تیبیک، م. ت.، و براتی، س. ف. (۱۳۹۶). *طراحی مداخله‌بازسازی دینی و بررسی اثربخشی آن بر سلامت روانی*. *روان‌شناسی فرهنگی*، ۲، ۴۸-۲۳.
- تمیمی آمدی، ع. (۱۴۱۰ق). *غررالحکم و دررالکلم*. قم: دارالکتب الاسلامی.
- ثقفی، س. م. (۱۳۹۸). *ابن خلدون نخستین جامعه‌شناس مسلمان*. تهران: جامعه‌شناسان.
- جرجانی، ع. (۱۴۳۰ق). *درج الدر فی تفسیر القرآن العظیم*. اردن: دارالفکر.

- جصاص، ا. (۱۴۰۵ق). احکام القرآن. بیروت: احیاء التراث العربی.
- حر عاملی، م. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: آل البیت.
- حرانی، ح. (۱۴۰۴ق). تحف العقول. تصحیح ع. غفاری. قم: جامعهٔ مدرسین.
- حفنی، ع. (۲۰۰۴). موسوعه القرآن العظیم. قاهره: مکتبه مدبولی.
- حلی، م. (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم: اسماعیلیان.
- خازن، ع. (۱۴۱۵ق). تفسیر لباب التاویل فی معانی التنزیل. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خراسانی، م. (۱۳۸۸). المعجم فی فقه اللغة القرآن و سر بلاغته. مشهد: آستان قدس رضوی.
- خوبی، م. ح. (۱۴۲۹ق). منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه. تصحیح ا. منانجی. تهران: مکتبه الاسلامیه.
- دینوری، ع. (۱۴۲۴ق). الواضح فی تفسیر القرآن الکریم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دارالعلم.
- رضایی، ح.، نصیریان، ص.، و ریاحی مهر، ب. (۱۳۹۷). بررسی تحول روانی انسان از منظر معارف اسلامی با تأکید بر نهج البلاغه. پژوهش نامهٔ نهج البلاغه، ۲۲، ۱۹ - ۳۷.
- زبیدی، م. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
- زهیلی، و. (۱۴۱۱). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج. دمشق: دارالفکر.
- سلطان علی شاه، م. (۱۴۰۸ق). بیان السعاده فی مقامات العباده. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- سمرقندی، ن. (۱۴۱۶ق). بحر العلوم. بی جا: بی نا.
- سیوطی، ج. (۲۰۰۳م). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قاهره: مرکز هجر للبحوث و الدراسات العربیه و الاسلامیه.
- شجاعی، م. ص. (۱۳۹۳). ساختار شخصیت از دیدگاه اسلام در چارچوب رویکرد صفت. پایان نامهٔ دکتری. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- شجاعی، م. ص. (۱۳۹۴). روان شناسی اسلامی مبانی تاریخچه و قلمرو. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- شجاعی، م. ص. (در دست چاپ). روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی: مبانی نظری و مراحل اجرا. مطالعات اسلام و روان شناسی.
- شحاته، ع. (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- شریبینی، م. (۱۴۲۵ق). تفسیر السراج المنیر. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شریف رضی، م. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه. قم: هجرت.
- شریعتمدای، ج. (۱۳۸۷). شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه. مشهد: آستان قدس رضوی.
- شعیری، م. (بی تا). جامع الاخبار. نجف: مطبعه حیدریه.
- شوکانی، م. (۱۴۱۴ق). فتح القدر. دمشق: دار ابن کثیر.
- شیخ زاده، م. (۱۴۱۹ق). حاشیه بر تفسیر قاضی بیضاوی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- صاوی، ا. (۱۴۲۷ق). حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- صفار، م. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- صنعانی، ع. (۱۴۱۱ق). تفسیر القرآن العزیز. بیروت: دارالمعرفه.

- طباطبایی، م. (۱۳۷۴ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، ف. (۱۳۹۰). اعلام الوری باعلام الهدی. تهران: اسلامیه.
- طبرسی، م. (۱۳۶۳). مستدرک الوسائل. تهران: انتشارات مکتبه الاسلامیه.
- طبری، م. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- طریحی، ف. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
- طوسی، م. (۱۴۰۷ق). تہذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، م. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عبدالرزاق، م. (۲۰۱۹). النمو المعرفی فی التریبہ الاسلامیہ و تطبیقاتہ التربویہ. رسالہ ماجیستر. کلیئہ یرموک، قسم الدراسات الاسلامیہ.
- علمان، خ. (۲۰۰۶). المراقبہ بین الفقہ الاسلامی و الدراسات المعاصرہ. بیروت: دارالمعرفه.
- عباشی، م. (۱۳۸۰). تفسیر عباشی. تصحیح ر. محلاتی. تهران: المطبعه العلمیہ.
- فخر رازی، م. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فرزند وحی، ج.، و حیدرنژاد، ط. (۱۳۹۲). مراحل تربیت از دیدگاه قرآن سنت و روان‌شناسی. حسنا، ۱۷، ۱۰۱-۱۲۲.
- فیض کاشانی، م. م. (۱۳۷۱). نوادر الاخبار فیما یعلق باصول الدین. تهران: مؤسسہ مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- قونیوی، م. (۱۳۸۱). اعجاز البیان فی تفسیر ام القرآن. قم: بوستان کتاب.
- کراجکی، م. (۱۴۱۰ق). کنز الفوائد. قم: دار الذخائر.
- کلینی، م. (۱۳۸۵). اصول کافی. ترجمه ص. حسن زاده. قم: انتشارات قائم آل محمد (ص).
- کاویانی، م. (۱۳۹۸). روان‌شناسی در قرآن بنیان‌ها و کاربردها. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ماتریدی، م. (۱۴۲۶). تأویلات اهل السنه. بیروت: دارالکتب العلمیہ.
- متقی ہندی، ع. (۱۴۰۹ق). کنز العمال. بیروت: مکتبه التراث الاسلامی.
- مجلسی، م. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسہ الوفا.
- مجلسی، م. (۱۴۰۴ق). مرآت العقول فی شرح اخبار آل الرسول. دارالکتب الاسلامیہ.
- محمدی ری شهری، م. (۱۳۸۹). حکمت نامہ جوان. ترجمه م. مهریزی. قم: دارالحديث.
- محمدی ری شهری، م. (۱۳۷۶). میزان الحکمه. ترجمه ح. شیخی. قم: دارالحديث.
- مصباح، ع.، زارعمان، م. ج.، بی‌ریا، ن.، آقائهرانی، م.، رهنمایی، ع. ش.، حقانی، ا.، و ساجدی، ا. س. (۱۳۷۴). روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی. تهران: سمت.
- مظاہری، ح. (۱۳۸۶). تربیت فرزندان از دیدگاه اسلام. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مظفر، ک. (بی تا). توحید المفضل. قم: داوری.
- مفید، م. (۱۴۱۳ق). الاختصاص. قم: المؤتمر العالمی لألفیہ الشیخ المفید.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیہ.
- مکی، ب. ح. (۱۴۲۹ق). الهدایہ الی بلوغ النہایہ. جامعہ الشارقه: کلیئہ الدراسات العلیا و البحت العلمی.
- منصور، م. (۱۳۸۷). روان‌شناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری. تهران: سمت.

- میبدی، ا. (۱۳۷۱). *کشف الاسرار و عده الابراز*. تهران: امیرکبیر.
- میدانی، ع. (۱۳۶۱). *معارض التفكير و دقائق التدبیر*. دمشق: دارالقلم.
- نظام، ح. (۱۴۱۶ق). *تفسیر غرائب القرآن*. بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
- نوری، ح. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. قم: آل البيت.
- ورام، م. (۱۴۱۰ق). *مجموعه ورام*. قم: مکتبه فقه.
- هاشمی، ع. (۱۴۰۰ق). *علم النفس التکوینی اسسه و تطبیقاته*. ریاض: دار المجمع العلمی.
- هدله، س. (۲۰۱۶). *تربیه الطفل و اسالیبها فی التشریع الاسلامی*. *الدراسات الحضاریه و الفکریه*، ۳، ۴۹-۷۸.
- هندی، ع. (۱۳۷۹). *کنز العمال*. بیروت: مکتبه التراث الاسلامی.
- هواری، ص. (۲۰۱۰). *المعجم الوسیط المدرسی*. بیروت: دارالبحار.
- Bee, H. L., & Mitchell, S. K. (1980). *The developing person: A life-span approach*. HarperCollins Publishers.
- Beilin, H., & Pufall, P. B. (Eds.). (2013). *Piaget's theory: prospects and possibilities*. Psychology Press.
- Benetka, G. (2016). Observations on Karl and Charlotte Bühler's perspective of development. *Representing development. The social construction of models of change*. Routledge, 154-157.
- Boyd, D. R., & Bee, H. L. (2010). *The growing child*. Allyn & Bacon.
- Buhler, C. (1999). *From birth to maturity: An outline of the psychological development of the child* (Vol. 5). Psychology Press.
- Damon, W., Lerner, R. M., & Eisenberg, N. (Eds.). (2006). *Handbook of child psychology, social, emotional, and personality development*. John Wiley & Sons.
- Erikson, E. H. (1953). Growth and crises of the healthy personality. II. *Psyche*, 7(2), 112.
- Feist, J., & Feist, G. J. (2009). *Theories of personality*. Boston, MA: McGraw Hill Higher Education.
- Gesell, A. (1934). An atlas of infant behavior: A systematic delineation of the forms and early growth of human behavior patterns. Normative series (With H. Thompson and CS Amatruđa). Naturalistic series (With AV Keliher, FL Ilg, and JJ Carlson). Vol. 1.
- Jacobs, L. C., Razavieh, A., & Sorensen, C. (2010). *Introduction to research in education*. Nelson Education, Ltd.
- Jones, E. (2019). *The life and work of Sigmund Freud*. Plunkett Lake Press.
- Jung, C. G. (1971). *The stages of life*. The portable Jung, 3-22.
- Lester, D. (2019). *Theories of personality: A systems approach*. Routledge.
- Lourenço, O. M. (2016). Developmental stages, Piagetian stages in particular: A critical review. *New Ideas in Psychology*, 40, 123-137.
- Matusik, J. G., Hollenbeck, J. R., Matta, F. K., & Oh, J. K. (2019). Dynamic systems theory and dual change score models: Seeing teams through the lens of developmental psychology. *Academy of Management Journal*, 62(6), 1760-1788.
- Pedersen, P. (2013). *Multiculturalism as a fourth force*. Routledge.
- Piaget, J., & Inhelder, B. (2008). *The psychology of the child*. Basic books
- Rice, F. P. (2001). *Human development: A life-span approach*. Prentice Hall.

- Ryckman, R. M. (2012). *Theories of personality*. Cengage Learning.
- Shaffer, D. D. R., & Kipp, K. (2010). *Developmental Psychology: Childhood & Adolescence: Childhood and Adolescence*. Cengage Learning.
- Slee, P. T., & Shute, R. (2014). *Child development: Thinking about theories texts in developmental psychology*. Routledge.
- Solso, R. L., MacLin, M. K., & MacLin, O. H. (2005). *Cognitive psychology*. Pearson Education New Zealand.
- Wallon, H. (1984). *Genetic psychology*. The world of Henri Wallon
- Woodward, W. R. (2012). Charlotte Bühler Scientific Entrepreneur in Developmental, Clinical, and Humanistic Psychology. *Portraits of pioneers in developmental psychology*.